



حقوق مالکیت آب دریاها بین کشورها

افغانستان کشور محاط به خشکه و بیشتر حصص کوهستانی می باشد، حدود ۴ بر ۳ حصه آن را کوه ها و دره ها احاطه کرده است. مناطق هموار در شمال کشور و جنوب غرب قرار دارد.

میزان بارندگی درین کشور سالانه بطور اوسط ۳۲۵ ملی متر میباشد. بارندگی در نورستان و کنر تا ۴۲۰ ملی متر در سال می رسد.

افغانستان دارای 5 حوزه های آبی؛ غربی، آمو، کابل می باشد. بیشتر از ۸۰ درصد آب های جاری کشور از سلسله کوه های هندوکش سرچشمه می گیرد.

ذخایر آبی روی سطحی کشور بطور تخمینی حدود ۷۵ میلیارد متر مکعب و ذخایر زیرزمینی آن در سال به ۱۰.۶۵ میلیارد مکعب می رسد.

تئوری تقسیم آب در حوزه بین الملل

در جهان ۱۳۴ دریا دریائست که در بین 2 الی ۶ کشور جریان دارد. پراپلم تقسیم اب بین کشورها زمانی بروز کرد که نفوس جهان در قرن بیست از ۱ میلیارد به ۶ میلیارد رسید. موضوع حقوقی استفاده از اب در سازمان ملل قوانین بخصوص داشته کشورها احترام به سازمان ملل و حقوق استفاده از آب داشته موضوعات را پس از مذاکره حل نموده اند. سازمان ملل به کشورهای جهان توسعه میکند تا آب دریاها منصفانه استفاده نمایند.

مطابق به قوانین و حقوق استفاده از آب سازمان ملل آب دریا که از چند کشور می گذرد باید منصفانه استفاده نموده برای کشورهای پایین دست حق استفاده از آب را دهد. زیرا در کنار این دریا انسانهای از هزاران سال از اب دریا استفاده نموده نسل خود را ادامه داده است. اگر آب دریا قطع شود باعث بربادی این نسل بشر میگردد.

در فصل دوم ماده ۴ قواعد هلسینکی ۱۹۹۶ م، بیان می شود که هر دولت در داخل قلمرو خود می تواند سهمی معقول و منصفانه از آب های حوضه بین المللی برای استفاده های مفید برداشت کند. همچنین ماده ۲ کنوانسیون آب اروپا ۱۹۹۲ م، در بند ۲ به اصل استفاده منصفانه و معقول تأکید می کند. ضمناً در کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل متحد اصل استفاده منصفانه و معقول مورد حمایت قرار می.

همچنین در ماده ۱۲ قواعد برلین سال ۲۰۰۴ درباره منابع آب به بهره‌برداری منصفانه اشاره می‌شود. در ماده ۱۶ قانون برلین بیان می‌شود کشور های حوضه در مدیریت آب‌های بین‌المللی در قلمرو خود باید از فعل یا ترک فعلی که باعث آسیب قابل توجه به کشورهای دیگر این حوضه شود، خودداری کنند.

آن چه از این مواد قانونی می‌توان تفسیر کرد، این است که دریا های مشترک توسط کشورهای مشترک باید منصفانه بهره‌برداری شوند که متأسفانه در سطح بین‌الملل کشورهای بالادست از این وسیله برای فشار بر کشورهای پایین دست خود استفاده می‌کنند. ولی آب افغانستان برعکس است کشور های دومی حق قانونی افغانستان را زیر پا نموده است. نمی‌خواهند به افغانستان حقی دهند. مثلاً روس یک کشور پیشرفته نخواست در طول سالهای قدرت شوروی از آب دریای آمو دشتهای شمال افغانستان را زیر آب سازد. زیرا به زیان خودش تمام می‌شد.

تئوری حاکمیت مطلق

تئوری حاکمیت مطلق سرزمینی (ATS) بیان می‌کند که یک کشور دارای حقوق مالکیت مطلق بر هر حوزه دریا در قلمرو خود است. بنابراین هر کشوری ممکن است تمام یا قسمتی از آب‌هایی را که وارد منطقه خود می‌شود مصرف کند، بدون اینکه هیچ آبی برای کشورهای پایین دست باقی بگذارد.

تئوری تمامیت ارضی نامحدود

تئوری تمامیت ارضی نامحدود (UTI) بیان می‌کند که یک کشور در حقوق مالکیت تمام آب‌ها از مبدأ دریا تا قلمرو خود سهم است. بنابراین، یک کشور ممکن است تمام آب‌های موجود در قلمرو خود را مصرف نکند، زیرا این به حق کشورهای پایین دست لطمه می‌زند.

تئوری یکپارچگی کشورهای حوضه

تئوری یکپارچگی سرزمینی همه کشورهای حوضه (TIBS) بیان می‌کند که یک کشور حقوق مالکیت تمام آب‌های دریا را به اشتراک می‌گذارد. بنابراین هر کشوری بدون توجه به موقعیت جغرافیایی خود، حق برخورداری از سهم مساوی از آب دریا را دارد. چنانچه استفاده از آب دریای آمو ۳۰ فیصد افغانستان کشور تاجکستان ۶۰ فیصد ولی کشورهای سومی ازبکستان ۶ فیصد ترکمنستان ۱ فیصد قرغیزستان ۲ می‌باشد. ولی در حقیقت اینطور نیست. کشور ازبکستان ۴۸ فیصد و ترکمنستان ۳۵ فیصد ازین آبرامورد استفاده قرار می‌دهند.

مشکلات تقسیم آب افغانستان با کشورها

افغانستان بالآخر جنگهای داخلی چهل دو سال نتوانست از آبهای خود استفاده نماید. در مقابل همسایه ها از بیچارگی افغانستان استفاده نموده پروژه های بزرگ زراعتی را از آب این خاک بنا کرده است که برای شان حیاتی است. با نارسیدن آب برای آنها احتمال بروز هر نوع واقعه خواهد بود. جمله معروف است که جنگ جهانی سوم به دلیل مساله آب بین کشورها و رویدادهای حاکم در جهان کنونی رخ خواهد داد.

حوزه آمو دریا

در حوزه شمال ۲۲ میلیارد مترمکعب آب در جریان است که تاجیکستان ۶۰ فیصد را برای خود تخصیص داده است افغانستان را ۳۲ فیصد حق داده است یعنی آبی که از دریا پنج و کوکچه می ریزد نیم نیمکله حق افغانستان است. دریای که از پامیرکلان و خورد دربین سرحد تاجکستان و افغانستان در جریان است. حق خود انتصاب نموده است. زیرا در معاهد ذولفقار بین انگلس و روس سرحد روس را الی کنار دریا که طرف افغانستان است تعیین نموده است. افغانها تا حال فسخ این معاهده را ننموده است. و هم افغانستان تا اکنون ازین آب صفر فیصد استفاده می نماید. ازبکستان ۴۸ فیصد و ترکمنستان ۳۵ فیصد که زیادترین فیصدی آب دریای آمو را در پروژه های کشت پخته استفاده می نماید. با قوی شدن افغانستان دولت میتواند به همکاری کشورهای عربی پایپ لاین، کانال پروژه های زراعتی را بنا نماید. آب اضافه کوکچه و پنج را به کشورهای عربی و ایران را به فروش رساند.

حوزه جنوب و شرقی

سالانه ۲۰ میلیارد آب انتقال می دهد. تمام آب ازین حوزه به کشور پاکستان می ریزد. چون آب دربین کوها جریان دارد مردم افغانستان چندان استفاده نمی نمایند. بالخصوص افغانستان از دریای پنجشیر و کنر چندان استفاده نمی نماید. برخلاف پاکستان بند برق پروژه های برای کشت برنج و گندم بنا نموده است که برای پاکستان حیاتی است. پاکستان ۱۰ میلیارد مترمکعب آب این دریا را حق دارد و افغانستان نیز ۱۰ میلیارد مترمکعب را.

در آینده نه چندان دور پایپ لاین آب آشمیدنی و کانالیزاسیون کابل از دریای پنجشیر و ساخت گلخانه ها برای تولید سبزیجات کابل، فارمهای مرغ داری و مواشی در میان ده سبز الی میدان هوایی بگرام مشکلات کابل و شمالی را مرفوع خواهد ساخت.

حوزه غرب

متشکل از ۳ دریا هلمند ۹.۳ بیلون مترمکعب هری رود و مرغاب ۳.۰۶ که جمله ۱۲.۳۶ بیلون متر مکعب میشود به ایران و قسماً به ترکمنستان می ریزد. هکذا دریاهای متعددی که به هامون می پیوندد عبارتند از دریاهای هلمند موسی قلعه، ارغنداب، ترنک، ارغستان، خاشرود، فراه رود و ادرسکن و همچنان دریاهای شوررود، حسین آباد و نهبندان از خاک ایران به تالاب های هامون می ریزد.

بر اساس معاهده سال ۱۳۵۱ میان افغانستان و ایران، حق آب ایران ازین دریا سالانه ۸۲۰ میلیون متر مکعب می‌باشد. بر اساس تعهد با کشور ایران، تنها ۸.۸ درصد آب سطحی این حوزه به ایران تعلق دارد، اما ازین‌که افغانستان قادر به کنترل آب‌های خود نمی‌باشد. تمام آبرای ایران در کنترل دارد.

حوزه هری‌رود - مرغاب سالانه ۳.۳۶ میلیارد متر مکعب آب دارد که ۵.۴ درصد مجموع آب‌های سطحی کشور را شامل می‌شود. ازین حوزه، دریا هری‌رود سالانه ۱.۰۷ میلیارد متر مکعب آب به ایران و دریا مرغاب سالانه ۱.۲۵ میلیارد متر مکعب آب به ترکمنستان می‌فرستند.

تخطی‌های جانب ایران استفاده از دریای‌های غربی

به اساس قرار داد آب سال ۱۳۵۱ میان افغانستان و ایران دولت ایران سالانه ۸۲۰ میلیون متر مکعب آب را دریافت کند. درین‌صورت مستحق ۲۶ متر مکعب را در ثانیه میشود. این آب در طول فصل سال تغییر نموده ایران در طول سال بین ۲ الی ۷۸ متر مکعب آبرای در ثانیه دریافت کند. اما افغانستان در صورتی پرداخت حقابه را دارد که دریای هلمند باید سالانه بیش از ۵ میلیارد ۶۰۰ متر مکعب آبرای داشته باشد. برخلاف در طول ۴۲ سال جنگ افغانستان کشور ایران از تمام این دریا به بهانه‌ها فریب‌ها استفاده می‌نماید. بین مرز افغانستان و ایران ۱۸۸ پایه نصب است. که ۲۷ کیلومتر ان دریای هلمند را تشکیل می‌دهد پایه ۵۱ حد وسط میان افغانستان و ایران است الی پایه ۵۴ رود هلمند جاری است. در دونقطه که که دریای هلمند و هریرود مرز است همیشه مشکلات را ایران خلق می‌کند. از حصه پایه ۵۱ الی ۵۴ پایه‌ها نصب بود دولت ایران این پایه‌ها را از بین برده است. و هم در حصه پایه ۵۴ که رود پریان داخل ایران میشد به عوض رود چندین نهر به خاک ایران حفر نموده است.

از آن‌جایی که رودهای تغذیه‌کننده تالاب‌های هامون فصلی است، کم و زیاد شدن آب هامون‌ها و حتا گاه‌ها خشک شدن آن‌ها طبیعی است. اما مسأله‌ای که در این سال‌ها گریبان هامون‌ها را گرفته، خشک شدن پی‌هم آن‌ها است. در جواب گفته می‌توانیم که دست انسانها در خشک شدن آب تالابها زیدخل است. این قضیه تا که ایران با صداقت عمل نکند هرگز حل شدنی نیست.

رودخانه هلمند در منطقه مرزی به دو شاخه سیستان و پریان تقسیم می‌شود که شاخه سیستان به داخل ایران و شاخه پریان در مسیر خط مرزی جریان دارد. کشور همسایه با سوءاستفاده از این موقعیت و دست‌کاری در مورفولوژی طبیعی رودخانه و ساختن سیستم انحراف بر دهانه رودخانه سیستان و ساخت چهار چاه نیمه با ظرفیت مجموعی ۱,۵ میلیارد متر مکعب (بسیار بیش‌تر از حقابه خود) در داخل خاک خود، قسمت اعظم آب را به این چاه نیمه‌ها منحرف می‌کند. در واقع می‌توان گفت که یکی از دلایل اصلی خشک شدن تالاب‌های طبیعی هامون، احداث این چاه نیمه‌ها و انحراف آبی است که باید به صورت طبیعی به هامون‌ها برسد. در واقع می‌توان گفت که با احداث چاه نیمه‌ها، ایران عملاً هامون‌ها را از نقطه مرزی به داخل خاک خود منتقل کرده است و هرگونه که

بخواهد از آن‌ها استفاده می‌تواند و از خشک شدن هامون‌ها استفاده ابزاری جهت تحت فشار قرار دادن افغانستان و مراجع بین‌المللی محیط زیستی می‌کند. در حالی که مطالعات و تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد که هرگاه هامون‌ها خشک شده، چاه نیمه‌ها مملو از آب بوده می‌باشد

؛ چرا که سهم آب هامون‌ها در آن‌ها جای داده شده و این یک دست‌کاری بزرگ در اکوسیستم منطقه است. ایران از آب چاه نیمه‌ها برای آبیاری ده‌ها هزار هکتار زمین کشاورزی جدیدالانکشاف استفاده می‌کند. آبی که می‌توانست تا حدی زنده‌گی را به هامون‌ها برگرداند.

اعمار بندهای آبی به منظور ذخیره آب

همان‌طوری که در ابتدا گفته شد، چندین رودخانه که مهم‌ترین آن‌ها در افغانستان قرار دارد، تامین‌کننده آب هامون‌ها است. اما چند رودخانه سیلابی از جمله شوررود، رود حسین‌آباد، بندان و... از ایران نیز به هامون‌ها می‌ریزد. هرچند حجم این رودخانه‌ها قابل مقایسه با رودخانه‌هایی که از طرف افغانستان به هامون‌ها می‌ریزد، نیست؛ ولی نکته‌ای که در این‌جا وجود دارد، این است که جانب ایران از یک طرف از خشک شدن هامون‌ها ابراز نگرانی می‌نماید و از طرف دیگر به گزارش شرکت مدیریت منابع آب ایران، هم‌اکنون پنج بند و طرح‌های پخش سیلاب بر روی رودخانه‌های منتهی به هامون‌ها ساخته است و مانع رسیدن همین مقدار آب اندک هم از خاک خود به هامون‌ها شده است.

نصب واترپمپها در حوزه هامونها

حوضه هلمند تحت تنش آبی شدید قرار دارد و در این حالت، ایران با احداث خط انتقال آب به ظرفیت ۹۰۰ لیتر در ثانیه به زاهدان باعث فشار بیش‌تری بر این حوضه شده است. در حالی که زاهدان اصلاً در حوضه هلمند قرار ندارد و این یک انتقال بین حوضه‌ای تلقی می‌شود. با توجه به این‌که حوضه هلمند از کمبود آب و خشک‌سالی رنج می‌برد و ساکنان منطقه سفلی هلمند، در هر دو سوی مرز در رنج به سر می‌برند، انتقال آب از این حوضه به حوضه‌های دیگر، تأمل برانگیز است.

به کرات شنیده شده است که مقامات عالی‌رتبه ایران بارها بندسازی در افغانستان را یکی از دلایل خشک شدن هامون‌ها شمرده‌اند؛ اما واقعیت این است که تنها بندی که افغانستان در مسیر رودخانه هلمند ساخته، بند کجکی است که بهره‌برداری از آن به سال ۱۹۵۳، یعنی ۲۰ سال قبل از امضای معاهده هلمند (۱۹۷۳) می‌رسد. بنابراین، در زمان تنظیم معاهده هلمند تمام تیم‌های کارشناسی، اثرات این بند را دیده و در محاسبات خود گنجانیده‌اند و براساس آن معاهده تنظیم شده است. از طرف دیگر، براساس بند سه معاهده هلمند، افغانستان با در نظر گرفتن حقابه ایران مندرج در توافق‌نامه، حق استفاده از مازاد آب را به گونه دلخواه دارد. بنابراین، اگر در آینده افغانستان بندی هم بر روی هلمند بسازد، هیچ‌گونه تعارضی با معاهده هلمند ندارد. لازم به یادآوری است که بند کجکی هم‌اکنون به خاطر تجمع رسوبات در مخزنش، ظرفیت ذخیره آب را به شدت از دست داده است. فعلاً تنها بندی که در حوضه دریایی هلمند تحت استفاده است، بند کمال خان است که تاریخ آغاز کار این بند هم به سال ۱۳۴۵ خورشیدی (۱۹۶۷ میلادی) می‌رسد. ظرفیت

حداکثری این بند ۵۲ میلیون متر مکعب است که به صورت مقایسه‌ای، ظرفیت آن در حدود سه درصد (۳٪) ظرفیت چاه نیمه‌های ایران (۱,۵ میلیارد متر مکعب) است.

در پایان این‌که، کشور افغانستان به خاطر سال‌ها جنگ و ناامنی نتوانسته است، زیربنای کافی مدیریت و کنترل آب را در حوضه دریایی هلمند انکشاف بدهد و آب به مراتب زیادتر از حقابه ایران وارد آن کشور می‌شود.

جهیل سیستان

جهیل سیستان متشکل از هامون هلمند هامون پوزک و هامون صابری می‌باشد. دریای هلمند پس از پر شدن هامون پوزک و هامون هلمند به هامون صابری می‌ریزد. در مرکز ولسوالی چخان‌سور رود خاشرود به هامون پوزک می‌ریزد. دریای خسپاس بعضی اوقات که ابخیزی می‌کند به هامون پوزک می‌ریزد.



گفته میشود «آب دریای هلمند بعد از پر شدن هامون صابری آب اضافی شهر زابل را دور زده در فاصله میان زابل و دوراهی در منطقه تاسوگی دوباره به مرز ایران و افغانستان میشود در گذشته این آب به گودزره می‌ریخت تا دشتهای بلوچستان پاکستان امتداد می‌یافت ولی اکنون دولت ایران این آب را بسته در ایران ذخیره می‌کند. اکنون دولت ایران آب هلمند را به زابل زاهدان و کرمان می‌برد هکذا ایران تصمیم گرفته این آبراهه به بیرجند نیز انتقال دهد.

طور خلاصه تخطی های ایران را میتوان چنین توضیح نمود.

- احداث دهها ساختمان آب گیر بر رودخانه هلمند در مرز آبی مشترک؛
- نصب بیشتر از صد پایه و اترپمپ در محدوده مرز آبی مشترک؛
- احداث چهار چاه نیمه که هر کدام آن دارای ظرفیتهای قابل ملاحظه بوده و توسط کانال "جریکه" آب رودخانه هلمند و سایر رودخانه ها به طرف نیمه چاهها (ذخایر آبی) در خاک ایران جریان داده میشود؛

• احداث بند کهک به منظور مرفوع ساختن نیازمندیهای شان به آب و بعد پایین آوردن دروازه های بند و منحرف کردن سیلابها به طرف نیمروز افغانستان که خسارات فراوانی را به خاک افغانستان وارد میکند؛

• عریض ساختن رود سیستان نظر به عرض سابقه آن و جریان دادن آب شاخه سیستان رود هلمند به طرف زابل آن کشور؛

• تحکیمات یک طرفه ساحل چپ رودخانه هلمند به طرف ایران که این امر سبب تغییر مسیر دریا به طرف افغانستان و تخریبات ساحل راست دریای مذکور شده است.

قرارداد آب هلمند بین دولت شاهی ایران و افغانستان

به تاریخ شش بهمن (دلو) ۱۳۱۷ سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران جناب باقر کاظمی و وزیر امور خارجه دولت پادشاهی افغانستان عالی قدر جلالتماب علی محمدخان وزیر امور خارجه دولت پادشاهی قرار داد تقسیم آب هلمند را امضا نمودند. این قرارداد پس از ساختن بند کجکی و کانال لشکرگاه دوباره به وخامت گراید.

ایجاد کانالهای انحرافی و ساختمان دو سد بزرگ در افغانستان در سال ۱۳۲۸ سروصدای زیادی میان ایرانیان به راه انداخت و موجبات اعتراض ایران را فراهم نمود. دولت افغانستان در جواب اعتراض، اظهار داشت که ایجاد کانالها، به آبی که به مرز باید برسد، نقصان نمی رساند.

دولت ایران اظهارات مذکور را نپذیرفت. در نتیجه میانجی گری ایالات متحده آمریکا، دو کشور سرانجام نمایندگان خود را برای گفتگو به واشنگتن فرستادند. اما این گفتگوها به نتیجه ای نرسید. اختلافات تا اسفند سال ۱۳۵۱ ادامه یافت تا عاقبت موضوع حقایق از رود هیرمند دوباره به وساطت کشید. در آن زمان کمونیستها در افغانستان روز به روز نفوذ و حضور بیشتری پیدا می کردند، هم شاه ایران و هم دولت آمریکا مایل بودند که اختلافات کوچک موجب دور شدن افغانستان از ایران نشود؛ لذا آمریکا میانجیگری کرد و یک هیئت بی طرف متشکل از رئیس اداره آبیاری شیلی، مهندس مشاور از ایالات متحده آمریکا و یک مهندس از اداره منابع آب کانادا تشکیل شد. در نتیجه قضاوت هیئت بی طرف مذکور، از این قرار بود که ۲۲ متر مکعب در ثانیه از آب هیرمند در منطقه دلتا، از آن ایران باشد که در اثر اعتراض ایران ۴ متر مکعب به آن اضافه شد. بدین ترتیب سهم ایران به ۲۶ متر مکعب در ثانیه از آب رودخانه هیرمند بالغ شد.

هیاتی به ریاست امیر عباس هویدا نخست وزیر وقت ایران به کابل رفت و در اسفند ۱۳۵۱ قراردادی را با محمد موسی شفیق قراردادی را امضاء کردند که در سال ۱۳۵۲ به تصویب پارلمان ایران هم رسید.

قانون معاهده راجع به آب رود هیرمند بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت افغانستان

متن "معاهده بین ایران و افغانستان راجع به آب رود هیرمند (هلمند)")

دولتین ایران و افغانستان با آرزومندی رفع دایمی کلیه اسباب اختلاف در مورد آب رود هیرمند (هلمند) و به منظور (بسایقه) حفظ روابط حسنه بین المللی و احساسات ناشی از برادری و همسایگی تصمیم گرفتند که معاهده ای را به این منظور منعقد نمایند و نمایندگان

ذیصلاح خویش را قرار ذیل تعیین کردند.

از جانب ایران:

امیر عباس هویدا نخست‌وزیر ایران.

از جانب افغانستان:

محمد موسی شفیع صدراعظم افغانستان؛ و هر دو نماینده اعتبارنامه‌های خویش را به یکدیگر ارائه نموده و آن را صحیح و معتبر شناختند و به مواد آتی موافقت نمودند.

ماده اول - الف - ۱۱ دی (۱۱ دمر غومی) - ۱۱ جدی مطابق اول جنوری - ۱۲ بهمن (۱۲ دسلواغی) ۱۲ دلو مطابق اول فبروری ۱۰ اسفند (۱۰ دکب) - ۱۰ حوت مطابق اول مارچ ۱۲ فروردین (۱۲ دوری) - ۱۲ حمل مطابق اول آپریل ۱۱ اردیبهشت (۱۱ دغوبی) - ۱۱ ثور مطابق اول مه ۱۱ خرداد (۱۱ دغبرگولی) - ۱۱ جوزا مطابق اول جون ۱۰ تیر (۱۰ دچنگانبن) - ۱۰ سرطان مطابق اول جولای ۱۰ مرداد (۱۰ دزمری) - ۱۰ اسد مطابق اول آگوست ۱۰ شهریور (۱۰ دوزی) - ۱۰ سنبله مطابق اول سپتامبر ۹ مهر (۹ دتله) - ۹ میزان مطابق اول اکتبر ۱۰ آبان (۱۰ دلرم) - ۱۰ عقرب مطابق اول نوامبر ۱۰ آذر (۱۰ دلیندی) ۱۰ قوس مطابق اول دسامبر می‌باشد.

در سالهای کبیسه تفاوت یک روز به موجب تقویم هجری شمسی رعایت می‌شود.

ب - سال "سال آب" مدتی است از اول اکتبر الی ختم سپتامبر سال مابعد.

ج - یک "سال نورمال آب" عبارت از سالی است که مجموع جریان آب از اول اکتبر تا ختم سپتامبر سال مابعد در موضع دستگاه آب‌شناسی دهر اود بررود هیرمند (هلمند) بالاتر از مدخل بندکجکی چهار میلیون و پانصد (پنج‌صد) و نود هزار ایکرفیت (۴۵۹۰۰۰۰ ایکرفیت) (۵۶۶۱,۷۱۵ میلیون متر مکعب) اندازه‌گیری و محاسبه شده است. مقادیر جریان ماهانه سال نورمال در پروتکل شماره یک منضمه این معاهده ذکر گردیده است. د - دستگاه آب‌شناسی دهر اود صرفاً به عنوان (محضاً بحیث) شاخص محاسبه جریان - به این منظور که آیا آن جریان یک سال نورمال را تشکیل می‌دهد یا نمی‌دهد (نی) - شناخته شده است.

ماده دوم - مجموع مقدار آبی که از رود هیرمند (هلمند) در سال نورمال آب و یا سال مافوق نورمال از طرف افغانستان به ایران تحویل داده می‌شود منحصراً است به متوسط (اوسط) جریان ۲۲ متر مکعب در ثانیه طبق جدول شماره ده "راپور کمیسیون دلتای هلمند" مورخ ۲۸ فوریه ۱۹۵۱ مطابق تقسیمات ماهانه‌ای که در ستون ۲ جدول مندرج ماده سوم این معاهده ذکر شده و یک مقدار اضافی متوسط (اوسط) جریان ۴ متر مکعب در ثانیه متناسب به تقسیمات ماهانه مشمول ستون ۲ که در ستون ۳ جدول مندرج در ماده سوم توضیح گردیده و به سابقه حسن نیت و علائق برادرانه از طرف افغانستان به ایران تحویل داده می‌شود.

ماده سوم - الف - در ظرف ماههای سال نورمال آب یا سال مافوق نورمال مقادیر معینه

آب از رود هیرمند (هلمند) که در ماده سوم این معاهده تشریح گردیده طبق ستون ۴ جدول آتی در بستر رود هیرمند (هلمند) در مواضع ذیل از طرف افغانستان به ایران تحویل داده می‌شود.

<جدول: دوره ۲۳ - جلد ۹ - صفحه ۴۹۳۳>

مواضع تحویله‌ی قرار ذیل‌اند:

- ۱ - در موضعی که خط سرحد رود سیستان را قطع می‌کند.
 - ۲ - در دو موضع دیگر بین پایه سرحدی پنجاه و یک و پنجاه و دو که در خلال مدت سه ماه بعد از انفاذ این معاهده توسط کمیساران طرفین با تثبیت فاصله و سمت هر یک از آن دو موضع از یکی از پایه‌های سرحدی مذکور در جایی که خط سرحد در بستر رود هیرمند (هلمند) واقع گردیده تعیین می‌گردد.
- تعیین آن دو موضع بعد از تصویب دولتین (حکومتین) نافذ شمرده می‌شود.
- ب - طرفین در موضعی که در فقره الف این ماده تذکار یافته تأسیسات مشترک و مناسب که شرایط آن مورد قبول طرفین باشد احداث (اعمار) و آلات لازمه در آن نصب می‌نمایند تا مقادیر معینه آب مندرج مواد این معاهده به صورت مؤثر و دقیق مطابق با احکام این معاهده اندازه‌گیری و تحویل شود.

ماده چهارم - در سالهایی که در اثر حوادث اقلیمی مقدار جریان آب از سال نرمال آب کمتر باشد و ارقام اندازه‌گیری دستگاه آب‌شناسی دهر اود جریان مربوط به ماههای قبل ماه مورد بحث را نسبت به ماههای مشابه سال نرمال آب مقداری کمتری نشان دهد ارقام مندرج در ستون ۴ جدول ماده سوم به تناسبی که در جریان واقعی ماههای ماقبل همان سال آب (در این صورت جریان ماه مارس ماقبل الی ماه مورد بحث) با ماههای مشابه یک سال نرمال آب دارد برای ماههای آینده همان سال آب تعدیل می‌یابد و مقادیر تعدیل شده در مواضع مندرج در ماده سوم به ایران تحویل داده می‌شود.

هر گاه در ظرف یکی از ماههای آینده بعد از ماه مورد بحث دستگاه آب‌شناسی دهر اود مقدار آبی برابر بر آب ماه مشابه سال نرمال را نشان دهد آب مورد بحث طبق ستون ۴ جدول ماده سوم تحویل می‌شوند.

ماده پنجم - افغانستان موافقت دارد اقدامی نکند که ایران را از حقا به آن از آب رود هیرمند (هلمند) که مطابق احکام مندرج مواد دوم و سوم و چهارم این معاهده تثبیت و محدود شده است بعضاً یا کلاً محروم سازد.

افغانستان با حفظ تمام حقوقی بر باقی آب رود هیرمند (هلمند) هر طوری که خواسته باشد از آن استفاده می‌نماید و آن را به مصرف می‌رساند.

ایران هیچ گونه ادعایی بر آب هیرمند (هلمند) بیشتر از مقداری که طبق این معاهده تثبیت شده است ندارد - حتی اگر مقادیر آب بیشتر در دلتا سفلی هیرمند (هلمند) میسر هم باشد و مورد استفاده ایران بتواند قرار گیرد.

ماده ششم - افغانستان اقدامی نخواهد کرد که حقایق ایران برای زراعت به طور کلی نامناسب شود یا به مواد شیمیایی حاصله از فاضلاب صنایع به حدی آلوده شود که با آخرین روشهای فنی و معمول قابل تصفیه نبوده و استعمال آب برای ضروریات معدنی ناممکن و مضر گردد.

ماده هفتم - هر نوع ابنیه فنی مشترک که احداث (اعمار) آن به منظور استحکام بستر رود در موضعی که خط سرحد در بستر رود هیرمند (هلمند) واقع گردیده لازم دیده شود بعد از موافقت طرفین بر شرایط و مشخصات آن می تواند احداث گردد.

ماده هشتم - هر یک از طرفین یک نفر کمیسار و یک نفر معاون کمیسار از بین اتباع خود تعیین خواهد نمود تا در اجرای احکام این معاهده از جانب دولت خود نمایندگی کند. حوزه صلاحیت و وظایف این کمیسارها در پروتکل شماره یک ضمیمه این معاهده گردیده است.

ماده نهم - در صورت بروز اختلاف در تعبیر یا اجرای (تطبيق) مواد این معاهده طرفین اولاً از طریق مذاکرات دیپلماتیک - ثانیاً از طریق صرف مساعی جمیله مرجع ثالث برای حل اختلاف سعی خواهند کرد و در حالی که این دو مرتبه به نتیجه نرسد اختلاف مذکور بر اساس مورد مندرج در پروتکل شماره ۲ ضمیمه این معاهده به حکمیت محول می شود.

ماده دهم - ایران و افغانستان قبول دارند که این معاهده بیانگر (ممثل) موافقت کامل و دایمی دولتین می باشد و احکام این معاهده صرفاً (محض) در داخل حدود محتویات آن اعتبار دارد و تابع هیچ (یک) اصل (پرنسیب) یا سابقه (پرسندنت) موجود یا آینده نمی باشد.

ماده یازدهم - هر گاه خشکسال مدتش یا بروز فورس ماژور (حالات مجبره) رسیدن آب را به دلتای هیرمند (هلمند) موقتاً ناممکن سازد کمیساران طرفین فوراً به مشورت پرداخته طرح (پلان) عاجل لازمه را به منظور رفع مشکلات وارده یا تخفیف آن تهیه و و به دولتین (حکومتین) مربوطه خویش پیشنهاد می نمایند.

ماده دوازدهم - این معاهده از تاریخی نافذ می گردد که اسناد مصدقه پس از طی مراحل قانونی آن بین دولتین مبادله شود. این معاهده به زبانهای فارسی (دری) - پشتو (پستو) و انگلیسی هر یک در دو نسخه تنظیم گردیده و دارای اعتبار مساوی می باشند در موقع صرف مساعی جمیله مرجع ثالث و رجوع به حکمیت به متن انگلیسی مراجعه می شود. در شهر کابل به تاریخ بیست و دوم اسفند (حوت) ۱۳۵۱ هجری شمسی مطابق سیزدهم مارس ۱۹۷۳ میلادی امضاء و منعقد گردید.

